



درس های که از یاران امام حسین^ع مر آموزیم

جلوه‌های ماندگار ایشار

حمیده ذاکری/ واقعه عاشورا دارای جنبه‌های مختلفی است که هر کدام به‌نوعی برای ما دارای پیام و درس هستند؛ به همین دلیل است که از این واقعه به‌عنوان یک مکتب یاد می‌شود؛ مکتبی که بزرگ‌مردی به نام حسین^ع آن را پدید آورد و از آغاز تا انتهایش، نشانه‌ها و آموزه‌های فراوانی را برای همه انسان‌ها و نه تنها مسلمانان معتقد به یادگار گذاشت و بر ماست که درکنار عزاداری برای سیدوسالار شهیدان، هربار که فرصتی دست می‌دهد، به بررسی این آموزه‌ها بپردازیم؛ آموزه‌هایی که تنها در سیره این امام همام و اهل بیتش خلاصه نمی‌شود و می‌توان آن را در اصحاب و یاران ایشان نیز سراغ گرفت. در ادامه برخی از این آموزه‌ها را با هم مرور می‌کنیم.

در راه شهادت

برترین یاران

یاران امام حسین^ع در کربلا این گونه نبودند که همگی از دیرباز تحصیل کرده مکتب امامت باشند که در میان آن‌ها مانند وهب‌بن عبدا... نیز حضور داشت؛ تازه‌دامادی که نصرانی بود و زمانی که از قیام سیدالشهدا^ع باخبر شد، به‌سوی ایشان شتافت و با عنایت پروردگار، مسلمانی و یاری حسین^ع را برگزید و به‌قولی یک‌شبه ره صدساله را طی کرد و خود و همسرش به شهادت رسیدند. بر این اساس است که گفته‌می‌شود اصحاب سیدالشهدا به‌منزله نمونه‌ای از جامعه بودند و در بین آن‌ها، از پی‌مردنودساله تا نوجوان سیزده‌ساله حضور داشت و نه‌تنها در سن‌وسال متفاوت بودند که در جنسیت، رنگ پوست و مذهب و سواد نیز متفاوت بودند و در بین آن‌ها، هم عالم بود و هم کارگر. این گونه است که می‌توانند برای هرکدام از عاشقان امام حسین^ع در هر دوره سنی و رنگ و نژاد و جایگاه و مقام به‌عنوان الگو مطرح شوند. با این حال براساس گفته امام شیعیان، آن‌ها برترین یاران بودند، آن چنان که امام حسین^ع شب عاشورا در سخنرانی خود فرمودند: «من اصحابی بهتر و باوقاتر از اصحاب خود و اهل بیتی نیکوتر از اهل بیت خود نمی‌دانم؛ پس خدای تعال شما را جزای خیر دهد، (لہوف، ص ۱۴۲، ترجمه محمدجواد مولوی نیا).

باوقاترین همراهان

وفاداری و ایستادن بر پای عهد و پیمان، بدون شک برجسته‌ترین درسی است که از یاران امام حسین^ع در کربلا به یادگار مانده است. در توصیف وفاداری خود آن حضرت در زیارت‌نامه ایشان می‌خوانیم: «الشہد انک قد لُغْتُ و نَصَحْتُ و وُفِیت و اُوفِیت، شهادت می‌دهم که تو به‌عهدی که با خداوند بسته بودی، وفا کردی». یکی از صحنه‌های بزرگ تجلی وفاداری یاران امام حسین^ع، واکنش حضرت ابوالفضل^ع در برابر امان‌نامه‌ای است که شمر برای آن حضرت و برادرانش آورد. ایشان با رد آن می‌گوید: «من هرگز از دینم دست برنمی‌دارم و تا جان در بدن دارم، از امام و پیشوایم حسین حمایت می‌کنم». لذا در زیارت‌نامه‌اش وارد شده است: شهادت می‌دهم که تو به بیعتی که با امام حسین^ع بسته بودی، وفا کردی و دعوتش را اجابت و از دستوراتش، اطاعت کردی.

برترین مدافعان

آن گونه که در زیارت‌نامه‌ها آمده است، بی‌گمان برجسته‌ترین ویژگی یاران امام حسین^ع در کربلا، پاسداری از دین خدا بود. در این باره می‌خوانیم: «سلام بر شما که یاوران دین خدا و حامیان دین خدا بودید و برای حاکمیت دین و محو ظلم و ستم و شرک و الحاد و بت پرستی، جنگیدید و بذل جان کردید». امام حسین^ع از ابتدای نهضت عاشورا انگیزه خود را از این قیام، پاسداری از دین و احیای آن خواندند و در این راه از جان و مال و فرزندان و یارانشان گذشتند و اجازه ندادند حاکمی چون یزید، احکام الهی را پایمال سازد و فرمودند: «ای شمشیرها! اگر دین محمد صلی ا...علیه‌واله‌وسلم جز با قتل من حفظ نمی‌شود، مرا دربر گیرید». یاران امام نیز در این راه از ایشان پیروی کردند و تا بذل جان در دفاع از دین و مکتب پیش رفتند.



واقعه عاشورا

شجاع‌ترین در میدان

شجاعت یکی دیگر از صفات برجسته یاران امام حسین^ع است. یاران حضرت در این واقعه و در میدان نبرد، پرده‌هایی حماسه‌ای آفریدند. کارشناسان به‌عنوان نمونه از «عابس» نام برده‌اند که در میدان نبرد به هنگام حمله ناچاو‌نمدانه و نابرابر دشمن، زره از تن بیرون آورد و به پشت‌سرش پرتاب کند تا با سلاح خود بر دشمن بتازد و او را شرمند و شرمسار کند و به استقبال شهادتی پرافتخار بشتابد که نظیرش کمتر دیده شده است یا عمروبن جناده درحالی که یازده سال بیشتر نداشت، با زبانی گویا، شجاعت، عقل و خرد، قوت و قدرت فوق العاده خود را به رخ دشمنان کشید و حماسه‌های پرهیجانی از خود در میدان نبرد آفرید و این رجز بیادماندنی را خواند: «امیر من، حسین است و چه نیکو امیری که شادی دل پیامبر بشیر و نذیر است. علی و فاطمه پدر و مادر اویند. آیا شما برای او همانندی می‌شناسید؟ طلعتش مانند خورشید نیم‌روز است و چهره‌اش چون ماه شب چهارده درخشان است». همه این امور به‌خوبی مؤید این مدعاست که اصحاب امام حسین^ع اسطوره‌های مقاومت و شجاعت‌اند و سرمشق خوبی برای همه انسان‌ها در همه اعصار هستند (عاشورا، ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیام‌ها، ص ۵۰۲، ص ۴۶۴، ص ۴۵۹).

ایشار و فداکاری

واقعه کربلا یکی از نمونه‌های والای ایشار و فداکاری است. به گفته بزرگان دین، یکی از جلوه‌های ماندگار ایشار یاران امام حسین^ع در شب عاشورا تصویر شده‌است؛ وقتی که آن امام بزرگوار بیعت خود را از یاران برمی‌دارند و به آن‌ها اجازه می‌دهند که هرجا می‌خواهند بروند. اما عباس‌بن علی^ع به امام می‌گوید: «برای چه دست از تو برداریم؟ برای اینکه پس از تو زنده بمانیم؟ خدا نکند هرگز چنین روزی را ببینیم! «سعیدبن عبدا... جلوه‌ای دیگر از ایشارگری در کربلاست؛ وقتی امام^ع به همراهانشان اجازه بازگشت دادند، سعید عرض کرد: «به خدا سوگند! اگر بدانم که در راه تو کشته می‌شوم و دگربار زنده شده، در آتش سوزانده می‌شوم و خاک‌سترم را به باد می‌دهند و هفتادبار با من چنین کنند، بازهم هرگز از تو جدا نخواهم شد تا در رکاب تو جان دهم. پس چرا چنین نکنم، درحالی که کشته شدن فقط یک‌بار است و پس از آن، کرامتی جاودانه است که پایانی ندارد».

عابدان شب و روز

ازجمله درس‌های مهم نهضت عاشورا، لزوم پایبندی به نماز و پاسداری از آن است. در عصر تاسوعا وقتی لشکر عمرسعد تصمیم گرفت جنگ با امام حسین^ع را آغاز کند، آن حضرت برادرشان حضرت ابوالفضل^ع را مأمور کردند تا از دشمن یک شب مهلت بگیرد و علت درخواست مهلت را این گونه بیان فرمودند: «امشب را به ما مهلت دهند تا به نماز و دعا و استغفار مشغول شویم؛ زیرا خدا می‌داند که من نماز و دعا و قرآن را دوست می‌دارم». ظہر عاشورا وقتی عمروبن کعب به حضرت عرض کرد: هنگام نماز است، امام^ع فرمودند: نماز را به یاد ما انداختی، خداوند تو را از جمله نمازگزارانی که به یاد خدایند، قرار دهد. از دشمن بخواهید دست از جنگ بردارد تا نماز به جای آوریم. شاید بتوان گفت زیباترین تصویر در پاسداری از نماز را سعیدبن عبدا... با شهادت خود رقم زد. آن وقت که در ظہر عاشورا هنگامی که امام^ع در زیر باران تیرها به نماز ایستادند، بدن خویش را سپر تیرها کرد و درد تیرها را با تمام توان در صورت و سینه و پهلوی خود به جان خرید و با اصابت سیزده تیر در بدنش، بر زمین افتاد و به چهره نورانی‌امام^ع نگریست و گفت: «آیا به وظیفه‌ام عمل و به عهدم وفا کردم؟». امام در پاسخ فرمودند: «آری، تو پیشاپیش من به بهشت خواهی رفت».

عاشق‌ترین بندگن

در روایت است که حضرت امیرالمؤمنین^ع وقتی به جنگ صفین می‌رفتند، به سرزمین طف و نینوا رسیدند. ابن عباس می‌گوید من همراه امیرالمؤمنین بودم و حضرت با سرنیزه اشاره کردند و فرمودند: «پسر عباس! آن نقطه، محل بارانداز کاروان آنان است و جایگاه عاشقان الهی». همان‌طور که می‌دانید، واژه‌های عشق و عاشق در روایات ما خیلی کم به کار رفته است و از عدد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند. به گفته کارشناسان، امام علی^ع در اینجا کلمه عاشق را د باره شهادی کربلا به کار برده و به آن‌ها عنایت ویژه‌ای داشته‌اند. فرمودند: « اینجا جایگاه فرود عاشقانی است که نه در گذشته تاریخ مانند آنان آمده‌اند، نه در آینده تاریخ مانند آنان خواهند آمد، یعنی حتی اصحاب بدر و احد و اصحاب امیرالمؤمنین و یاران امام زمان^{عج} نیز به درجه اصحاب حضرت سیدالشهدا^ع نمی‌رسند. (بحارالأنوار: ۲۹۵/۴۱، باب ۱۱۴، حدیث رقم ۱۸).

